

بررسی و نقد آراء گلدزیهر درباره منشأ اختلاف قراءات

سید محمد مرتضوی

گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی - مشهد

چکیده

از روزی که قرآن توسط رسول خدا (ص) برای هدایت خلق به سوی خدا قرائت شد، پیامبر آن را به عنوان معجزه ابدی خود معرفی کرد و از مخالفان خود خواست که اگر در پیامبری او شک دارند همانند آن را بیاورند. در این دعوت گاه از آنان خواست اگر شک دارند که این کلام خداوند است همانند آن را بیاورند که به عنوان نمونه از این آیه می‌توان نام برد:

﴿ام یقولون تموله بل لا یؤمنون فلیأتوا بحدیث مثله ان كانوا صادقین﴾^(۱)

آیا می‌گویند قرآن را از پیش خود بافته است و باورش نمی‌کنند. اگر راست می‌گویند سخنی مانند آن بیاورند.

و گاه از آنان خواست اگر از آوردن مثل آن ناتوانند حداقل ده سوره مثل آن بیاورند؛ به عنوان نمونه می‌توان از این آیه نام برد:

﴿ام یقولون انتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کتبه صادقین فان لم یتجیبوا لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله﴾^(۲)

آیا می‌گویند این قرآن را از خود بافته و به خدا نسبت داده است. بگو: اگر راست می‌گویند شما هم ده سوره به هم بافته مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را بخواهید می‌توانید بیارید. چنانچه دعوت شما را نپذیرفتند بدانید فقط به علم خدا نازل شده است.

و گاه از آنان خواست که اگر این کار را هم نمی‌توانند انجام دهند دست کم یک سوره مثل قرآن بیاورند؛ به عنوان نمونه از این آیه می‌توان نام برد:

﴿ام یقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين﴾ (۳)
 آیا می‌گویند: به دروغ آن را به خدا نسبت می‌دهد. بگو: اگر راست می‌گویند غیر از خدا هر
 کس را می‌توانید بخوانید و یک سوره همانند آن بیاورید.

وقتی خداوند این فراخوان سه مرحله‌ای را انجام داد و کسی به این دعوت پاسخ مثبت نداد،
 چنین اعلام کرد:

﴿قل لمن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو كان بعضهم
 لبعض ظهیراً﴾ (۴)

بگو اگر جن و انس گرد آیند که مانند این قرآن را بیاورند هرگز نتوانند نظیرش را بیاورند، هر
 چند که یکدیگر را یاری دهند.

از طرفی مسلمانان به رغم همه اختلافات فرقه‌ای، در این مسأله وحدت نظر دارند که قرآن
 وحی است؛ چنان که خداوند در آیات متعدد به این حقیقت اشاره می‌کند که به عنوان نمونه
 می‌توان از این آیه یاد کرد:

﴿افلا یتدبرون القرآن و لو كان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً﴾ (۵)

آیا به قرآن نمی‌اندیشند که اگر از سوی غیر خدا بود اختلاف بسیاری در آن می‌یافتند.
 همچنین بر این باورند که هیچ‌گونه تغییری از طرف پیامبر در ماهیت قرآن انجام نگرفته است
 و خداوند نیز بر عدم تغییر و تبدیل قرآن از طرف پیامبر تأکید دارد که به عنوان نمونه می‌توان از
 این آیه نام برد:

﴿قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرآن غیر هذا او یدله قل ما یکون لی ان ابدله من تلقاء نفسی
 ان اتبع الا ما یوحی الی﴾ (۶)

نا امیدان به دیدار ما خواهند گفت: قرآنی غیر از این بیاور و یا آن را دگرگون کن، بگو: من حق
 ندارم آن را از پیش خود تغییر دهم، از هیچ چیز پیروی نمی‌کنم مگر آنچه بر من وحی می‌شود.
 از آن جا که قرآن آخرین کلام الهی برای هدایت بشر است باید تا پایان جهان اصالت خود را
 حفظ کند و از هر نوع تغییر و تبدیل محفوظ بماند. از این رو خداوند برای اطمینان مردم به
 سلامت قرآن از دستبرد نااهلان، حفاظت آن را تضمین کرده، به صراحت اعلام می‌کند:

﴿انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون﴾ (۷)
 ما قرآن را نازل کردیم و خود از آن حفاظت می‌کنیم. و از طرف دیگر، از ابتدای بعثت

رسول خدا (ص) مبارزه با قرآن سرلوحه کار مخالفان اسلام و رسول خدا (ص) قرار داشته است؛ زیرا آنان می دانستند که سنگ بنای اسلام و دعوت رسول خدا (ص) قرآن است و اگر کوچکترین خلل یا شبهه‌ای به آن راه یابد و موجب سستی این سنگ زیرین گردد اساس دعوت رسول خدا (ص) و دین اسلام را با مشکل مواجه خواهد کرد. گرچه عرب جاهلی در صدد این برآمده بود که با آوردن کلامی فصیح و بلیغ به مبارزه با قرآن برخیزد و آن را از اعتبار بپندازد و شکست خورده بود، ولی نه دشمنان اسلام منحصر به عرب جاهلی بوده و هستند و نه روش مبارزه با قرآن منحصر در آوردن کلامی فصیح و بلیغ می باشد. براین اساس می بینیم در طول تاریخ، دشمنان اسلام روشهای گوناگونی را برای مبارزه با اسلام انتخاب کرده اند و هر روز به گونه‌ای احکام مسلم اسلام، قرآن، پیامبری، امامت، عصمت و ... را مورد شک و تردید قرار داده و تلاش می کنند آن را از قداست انداخته، آن را دستاوردی بشری جلوه دهند. از جمله می توان از تلاشهای مرموزانه برخی از خاورشناسان یاد کرد که سعی کرده اند با توجه به اختلاف قراءات قرآن نظراتی ارائه دهند که قرآن را محصول اندیشه مسلمانان بدانند و آن را از اعتبار ساقط کنند. این مقاله، در صدد بررسی تلاش یکی از افراد یاد شده است.

واژه‌های کلیدی: نقد و بررسی، اختلاف قراءات، گلدزیهر

قرائت

قرائت مصدر قرأ است. درباره واژه قرأ اختلاف نظر است و علمای لغت و ادب معانی متعددی برای آن ذکر کرده اند. زجاج قرائت را به جمع کردن و گرد آوردن معنی کرده است.^(۸) قطرب نحوی قرائت را به معنای انداختن و انقطاع آورده است.^(۹) ابن عطیه قرائت را به تلاوت و خواندن معنی کرده است.^(۱۰) و عده‌ای از لغت‌شناسان نیز همین معنا را پذیرفته اند.^(۱۱) بر این اساس، اولین مرحله قرائت قرآن توسط جبرئیل انجام گرفته که با خطاب قرأ (بخوان) به رسول خدا (ص) قرآن را آموزش داده است. براساس رأی اکثر مفسران^(۱۲) نخستین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شده است، آیات زیر بوده است: ﴿اقرأ باسم ربك الذي خلق. خلق الانسان من علق. اقرأ وربك الاكرم. الذي علم بالقلم. علم الانسان ما لم يعلم﴾^(۱۳) (ای محمد قرآن را) به نام پروردگارت - که هستی را آفرید - بخوان. همو که انسان را از خون بسته آفرید. بخوان که پروردگارت ز همه ارجمندتر است. همو که با قلم تعلیم داد. به انسان آنچه را نمی دانست آموخت.

به طور قطع هدف از آموزش قرآن به رسول خدا (ص) این بوده است که هم خود آن حضرت از آن مفاهیم بلند و دستورات الهی آگاهی یابد و هم این مفاهیم را به دیگران منتقل کند، تا مردم آن دستورات را مورد توجه قرار دهند و رستگار شوند. بر این اساس برای انتقال این مفاهیم و عبارات قرآن به مردم راهی جز آموزش و قرائت آن وجود نداشته است. قرآن این اقعیت را چنین بیان می‌کند:

﴿و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً﴾^(۱۲)

قرآن را خرده خرده بر تو نازل کردیم تا با تأنی و بی شتاب بر مردم بخوانی و به طور قطع ما آن را فرو فرستادیم.

تا این مرحله، قرائتی که به کار می‌رود قرائت به معنای خواندن است و هیچ اختلافی نیز پیش نیامده است؛ یعنی آنچه را که جبرئیل به رسول خدا (ص) آموزش داده است رسول خدا (ص) بدون کم و کاست برای مردم خوانده و اصحاب آن حضرت و کاتبان وحی نیز آن را شنیده‌اند، ولی این آیا درست گرفته‌اند یا نه و آیا آنچه را که آموخته‌اند درست به نسل بعدی منتقل کرده‌اند یا نه، بحث دیگری است.

یادایش اختلاف قرائت

آنان که قرآن را از رسول خدا (ص) آموخته بودند از قبائل متعدد و دارای لهجه‌های متفاوت از سطح فرهنگی و دانش دینی مختلفی برخوردار بودند؛ در نتیجه طبیعی به نظر می‌رسید که در خواندن قرآن تفاوت‌هایی داشته باشند. این گروه که در مکه و مدینه از رسول خدا (ص) قرآن آموخته بودند تبلیغ و آموزش قرآن را وظیفه خود می‌دانستند و هرگاه زمینه‌ای می‌یافتند به دور از چشم دشمنان اسلام به آموزش قرآن می‌پراختند که اسلام آوردن عمر بن خطاب را نیز در این ارتباط ذکر کرده‌اند.^(۱۵) گاهی رسول خدا (ص) به تقاضای دیگران برای تبلیغ اسلام و آموزش قرآن، قاریان قرآن را به مناطق اطراف مدینه می‌فرستاد،^(۱۶) چنان که عده‌ای از آنان نیز در این راه به شهادت رسیدند^(۱۷) و گاهی رسول خدا (ص) در پی آزاد شدن مناطقی، عده‌ای را برای آموزش قرآن می‌گماشت، همان‌طور که بعد از فتح مکه معاذبن جبل را مأمور این کار

کرد.^(۱۸)

از طرفی به دنبال گسترش اسلام در عربستان و مناطق اطراف آن هر چه زمان پیش می‌رفت، نوام و ملل تازه‌ای که به اسلام می‌پیوستند که علاقه آنان به اسلام و قرآن و نیاز آنان به قرائت

قرآن و امتیازاتی که در جامعه اسلامی برای قاریان و حافظان قرآن در نظر گرفته بودند و ... آنان را وامی داشت که قرآن را بیاموزند. این گروه نیز افزون بر اختلاف لهجه، سبطح دانش و فرهنگ مشکل دیگری داشتند و آن ناآشنایی ایشان با زبان عربی بود. از طرف دیگر پس از گسترش اسلام در عربستان عده‌ای برای آموزش قرآن به مدینه آمدند تا از صحابهٔ رسول خدا (ص) که قرآن را به طور مستقیم از آن حضرت فراگرفته بودند آموزش ببینند. قراء زمان آن حضرت نیز سعی می‌کردند معارف و اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار دهند و در این کوشش نیز موفق بوده‌اند، تا آن جا که شخصیت‌های بارز و برجسته‌ای در قرائت قرآن کریم پدید آمدند که تعداد آنان قابل توجه می‌باشد.^(۱۹) با توجه به عوامل یاد شده و غیر اینها که ممکن است انگیزه‌های سیاسی نیز داشته باشد و با توجه به این که قرآن مکتوب در این عصر که در اختیار مسلمانان بود هیچ نوع نقطه و اعرابی نداشت، طبیعی بود که مسلمانان در خواندن قرآن اختلاف‌هایی داشته باشند؛ اختلافاتی که در عصر عثمان به حدی رسیده بود که عده‌ای از قاریان مخالفان خود را تخطئه و گناه محکوم به کفر می‌کردند.^(۲۰)

توحید المصاحف

بروز اختلاف در بین مسلمانان در نحوهٔ خواندن بعضی از کلمات و گذشت زمان و از دنیا رفتن بسیاری از قاریان قرآن که به طور مستقیم قرآن را از رسول خدا (ص) آموخته بودند و ... مسلمانان به خصوص خلیفه سوم^(۲۱) را بر آن داشت که در این زمینه چاره‌ای بیندیشند که نتیجه این چاره جویها و تلاشها تدوین چند قرآن بدون داشتن شکل و اعراب و فرستادن آنها به مناطق مهم دنیای اسلام بود تا به گونه‌ای از این درگیرها جلوگیری کند. این کار که به توحید المصاحف شهرت یافته^(۲۲) گرچه در حد خود مفید بود، ولی نمی‌توانست این اختلافات را به کلی از بین ببرد، به خصوص که این قرآنها به دلیل عاری بودن از شکل و نقطه و اعراب در برابر اختلافات انعطاف‌پذیری زیادی داشتند. بعد از این جریان در دهه‌های بعد تلاشهای دیگری از قبیل نقطه‌گذاری، اعراب‌گذاری و ...^(۲۳) برای برطرف کردن اختلاف قرائت انجام گرفت. این اقدام نیز گرچه در حد خود مفید بود، ولی اختلافات موجود بین این نوع مصاحف را قانونمند می‌کرد و چنین تلقی می‌شد که این اختلافات قطعی است؛ بخصوص اگر در نظر داشته باشیم که نا این تاریخ، زبان عرب دارای قوانین و قواعد مدوّن دستوری نیست.

عاری بودن مصاحف عثمانی، اختلاف نظر اصحاب برجستهٔ رسول خدا (ص) با عثمان در

جریان توحیدالمصاحف همانند عبدالله بن مسعود^(۲۴)، نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری قرآن و مخالفت بعضی از کلمات با قرائت رایج و ... باعث اوج گرفتن اختلافات شد، تا این که خارج از تلاش حکومتها، دانشمندان این رشته خو درصدد برآمدند که برای قرائت قوانین و ضوابطی مشخص کنند که براساس آن ضوابط بتوانند قرائت صحیح از غیر صحیح را باز شناسند. بعد از تحولاتی که در جهان اسلام در زمینه آموزش و تدوین و نشر قرآن به وجود آمد و قرائت قرآن به یک رشته تخصصی تبدیل شد و عده‌ای شغل خود را قرائت قرآن قرار دادند، برای روشن شدن حدود و مسائل قرائت و ... دانشمندان این رشته درصدد برآمدند که از «قرائت» تعریف جامعی ارائه کنند، که در این جا به چند نمونه از این تعاریف اشاره می‌کنیم:

زرکسی می‌گوید: قرائت عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف درباره حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آنها از سوی قراء نقل شده است.^(۲۵)

از جمله اشکالاتی که بر این تعریف وارد می‌باشد این است که قراءات را محدود و منحصر به انفاظی از قرآن کریم کرده است که در نحوه خواندن آنها اختلاف می‌باشد، در حالی که علمای علم قرائت دایره آن را به مواردی که در قرائت آنها اختلافی وجود ندارد نیز گسترش داده‌اند.

ابن جزری در این باره می‌گوید: قراءات عبارت از علم به کیفیت اداء کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت می‌باشد؛ اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است.^(۲۶)

از این تعریف چند نکته اساسی به دست می‌آید: قراءات قرآنی
الف - اختلاف قراءات مربوط به قرآن نیست و ماهیت قرآن با این اختلافات بیگانه است، بلکه این اختلافات به ناقلان قرائت منسوب است.

ب - این که یکی از شرایط اساسی قرائت، سماع و شنیدن کیفیت اداء کلمات می‌باشد. براساس همین شرط بود که ابن جزری می‌گفت: باید قاری از خواندن بنا بر قرائتی که از دیدگاه شخصی او درست است و نقل و روایت، آن را تایید نمی‌کند و نیز از اقرار آن وجه از نظر اعراب و لغت که در زمینه آن روایتی وجود ندارد، سخت خودداری کند.^(۲۷)

دیماطی قرائت را چنین تعریف کرده است: علمی که از رهگذر آن اتفاق نظر یا اختلاف ناقلان کتاب خدا در حذف و اثبات و متحرک خواندن و ساکن کردن و فصل و وصل حروف و

کنمات و امثال آنها از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و جز آنها از طریق سماع و شنیدن قابل شناسایی است. (۲۸)

از تعریف دمیاطی روشن می‌شود که سماع و شنیدن از استاذ شرط اساسی در صحت قرائت می‌باشد، در عین این که اشکالی که بر تعریف زرکشی وارد بود، بر این تعریف هم وارد می‌شود.

زکریا انصاری قرائت را چنین تعریف می‌کند: قرائت (به کسر قاف و تخفیف راء) از نظر قرآء عبارت از این است که قرآن کریم قرائت شود؛ اعم از این که قرائت به صورت تلاوت یعنی پی هم و پیوسته برگزار شود، یا به صورت اداء یعنی از طریق فراگیری و دریافت از مشایخ و اسانید قرائت انجام گیرد. (۲۹)

در تعریف انصاری محدودیت دو تعریف قبل که قرائت باید از طریق سماع از اسانید باشد به چشم نمی‌خورد و محدودیت تعریف زرکشی هم تنها در موارد اختلاف باشد، وجود ندارد. ولی در تعریف او شرط دیگری برای اعتبار قرائت به چشم می‌خورد که باید قرائت مسموع و منقول با قرآن مکتوب منطبق باشد؛ چه بخواید به صورت تلاوت یعنی بدون حضور نزد استاد انجام گیرد و چه به صورت اداء که در حضور استاد باشد.

با توجه به آنچه نقل شد و تعاریف دیگری که در این زمینه ارائه کرده‌اند هیچ یک تعریف جامع و مانع نیست، ولی با این حال می‌توان تعریف نسبتاً کاملی برای قرائت به این شرح ارائه کرد که قرائت عبارت است از: نقل قرائت رسول خدا (ص) یا تایید رسول خدا (ص) قرائت دیگران را که با اسناد به ثبوت رسیده باشد.

بنابر این، روایت و اسناد از اجزاء معتبر در قرائت می‌باشد؛ گرچه رسم الخط موجود مطابق با آن نباشد و بر عکس اگر رسم الخط موجود یا وجهی هماهنگ باشد، ولی این وجه مستند به روایت و نقل نباشد، علماء قرائت به اتفاق آن را از قراءات به شمار نمی‌آورند.

علل اختلاف قراءات

در این که چه عامل یا عواملی باعث شده است که این اختلافات در قرائت قرآن در بین مسلمانان به وجود آید، دانشمندان اسلامی در پاسخگویی به این سؤال به راه حل‌هایی است دست یافته‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- اختلاف قرائت نبی اکرم (ص)

براساس بعضی از روایاتی که به رسول اکرم (ص) نسبت می‌دهند، آن حضرت هنگام آموزش قرآن به اصحاب خود، مقید و ملتزم به یک نوع لفظ و قرائت نبوده است؛ به عنوان مثال از ابی‌ابن کعب روایت شده است که می‌گفت: از آن زمان که اسلام آوردم چیزی قلم را تحت تأثیر قرار نداد مگر هنگامی که آیه‌ای را قرائت می‌کردم و همان آیه را فردی دیگر به گونه‌ای دیگر از قرائت من می‌خواند. به او گفتم. رسول خدا (ص) این آیه را به همین صورتی که قرائت می‌کنم به من آموزش داد.

او در پاسخ گفت: آن حضرت مرا نیز به همین صورتی که خواندم آموزش داده است. با هم نزد رسول خدا (ص) رفتیم. من عرض کردم: ای رسول خدا! آیا نه این است که به من دستور دادی فلان آیه را بدین گونه قرائت کنم؟ فرمود: آری.

آن شخص هم به عرض رساند: ای رسول خدا! مگر نه این است که شما به من امر فرمودید که فلان آیه را بدین گونه قرائت بنمایم؟ فرمود: آری.

آن‌گاه رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل و میکائیل نزد من آمدند، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ من نشستند. جبرئیل گفت: قرآن را بر یک حرف قرائت کن. میکائیل گفت: از خدا بخواه که بر یک حرف بیفزاید، تا آن جا که یک حرف و یک وجه به هفت حرف بالغ گردید و هر یک از این حروف سبعة و وجوه هفت‌گانه کافی و شافی است. (۳۰)

۲- اختلاف در تأیید نبی اکرم (ص)
 ابن قتیبه می‌گوید: از جمله اموری که خداوند متعال به منظور تسهیل و توسعه بر امت اسلامی مقرر کرد این بود که رسولش را مأمور کرد به مردم اعلام نماید هر گروهی می‌توانند قرآن کریم را مطابق لهجه و لغت و متناسب با عادتشان قرائت کنند. او در تحلیل این پدیده می‌گوید: اگر هر یک از قبیله‌ها و گروهها موظف می‌شدند که از لغت و لهجه و آن روندی که زیانشان بدان مأنوس است دست بردارند، آن هم زبانی که از کودکی با آن عادت کردند و با آن پرورش یافتند و تا سن پیری بدان خو گرفته‌اند، این وظیفه بر آنها دشوار می‌گشت و باید از پس آزمون بسیار سنگینی برمی‌آمدند که در توان آنها نبوده است و نیز اداء چنین وظیفه‌ای جز پس از ریاضت و تمرین و زام ساختن زبان و ترک عادت امکان‌پذیر نمی‌بود؛ لذا خداوند در ظل رحمت

و لطف خویش اراده کرد برای مردم گسترده‌ای گسترده در امر لغات و موردی برای تصرف و کلمات فراهم آورد، چنان‌که در امر دین بر آنان تکالیف را آسان گرفت. (۳۱)

او برای اثبات سخن خود مواردی از اختلاف لهجه را بیان می‌کند؛ به عنوان مثال می‌گوید قبیلهٔ هذیل کلمهٔ حتی را نمی‌توانند تلفظ کنند، بلکه به جای آن عتی تلفظ می‌کنند.

۳- اختلاف نزول

صاحب کتاب المبانی می‌گوید: وجه سوم از اختلاف قراءات آن است که بر حسب اختلاف نزول مختلف می‌گشت، چراکه رسول خدا (ص) قرآن کریم را به وسیلهٔ جبرئیل (ع) در هر ماه رمضان عرضه و با او مقابله می‌نمود و این کار پس از آن زمانی صورت می‌گرفت که آن حضرت به مدینه مهاجرت کرده بود. اصحاب از آن حضرت وجوه قراءات هر عرضه و مقابله فرامی‌گرفتند. عده‌ای از اصحاب بر یک حرف و یک وجه، عده‌ای به یک حرف و وجه دیگری قرآن کریم را قرائت می‌کردند، تا آن‌که خداوند آنان را مشمول لطف خویش قرار داد و آنها را قراءاتی که در آخرین عرضه یا در عرضه و مقابلهٔ سوم، چهارم اعلام شد متحد ساخت، تا آن‌که از آن پس جز در حروف و وجوه معدود یا الفاظ و عبارات نزدیک به هم اختلاف زیادی باقی نماند. اختلافاتی که مربوط به حروف هجاء بود و مردم نیز در مورد آن متحد گشتند، آنها را اصحاب رسول خدا (ص) هنگامی که مصاحف را می‌نوشتند روی آنها پیاده کردند و مصاحف منعکس ساختند، تا از میان نرود. به همین جهت مصاحف اهل شام و عراق و حجاز در حروف و وجوه معدودی دارای اختلاف بود. (۳۲)

۴- اختلاف نقل از صحابه

براساس نوشتهٔ محمد طاهر کردی این رأی مشهور مقررین است که کسانی که مصاحف عثمانی را به مراکز حکومت اسلامی بردند اهل همان مناطق بودند و از طرفی مصحف عثمانی فاقد قواعد املاء بود. براین اساس اهل هر ناحیه بر حسب قراءاتی که سماعاً از اصحاب رسول خدا (ص) دریافت کرده بودند قرآن را می‌خواندند؛ از این رو باید گفت اختلاف بیان قرآن اسلامی از همین جا ریشه می‌گرفت، با آن‌که همهٔ آنها خود را به یک حرف و وجه از حروف و وجوه هفت‌گانه پایبند می‌دیدند. (۳۳)

از طرف دیگر صحابه که قرائت قرآن را از زبان رسول خدا (ص) دریافت می‌کردند، مختلف بودند: عده‌ای تنها براساس یک حرف و یک وجه از آن حضرت فراگرفتند، عده‌ای دیگر

براساس دو حرف و عده‌ای دیگر نیز با حروف و وجوهی بیش از آن، قرائت قرآن را فراگرفتند و اینان در بلاد اسلامی منتشر شدند و تابعان که از آنان فرامی‌گرفتند نیز با همین اختلافات و وجوه روبرو بودند و از تابعان نیز به همین شیوه به نسلهای بعدی منتقل شد. (۳۴)

۵- اختلاف لغات یا لهجه‌ها

ابوشامه می‌گوید: در قرآن از تمام زبانها و لهجه‌های عرب لغاتی وجود دارد؛ زیرا قرآن بر تمام عربها نازل گردید و خداوند متعال به آنها رخصت داد که می‌توانند آن را برحسب لغات مختلف خود قرائت کنند. به همین جهت قراءات مختلف در مورد قرآن کریم پدید آمده است. (۳۵)

از معاصران دکتر طه حسین ریشهٔ اختلاف قراءات را بر همین اساس می‌بیند و می‌گوید: به اختلاف دیگری در قراءات اشاره شده است که عقل آن را می‌پذیرد و نقل و روایت نیز آن را تجویز و تأیید می‌کند و ضرورت اختلاف لهجه‌ها که میان قبائل عربی دیده می‌شود این اختلاف را ایجاب می‌نماید؛ قبایلی که نمی‌توانند حنجره‌ها و زبانها و لبهای خود را دگرگونه سازند تا بتوانند قرآن کریم را همان‌گونه قرائت کنند که پیامبر اکرم (ص) و خویشاوندان قریشی او قرائت می‌کردند. این قبائل قرآن را بدان گونه که تکلم می‌نمودند قرائت می‌کردند؛ لذا در قرائت خود اماله را به کار می‌بردند که قریش آن را به کار نمی‌گرفت، یا کلمه‌ای را ممدود می‌خواندند که قریش آن را به مد نمی‌خواند، یا واژه‌ای را مقصور قرائت می‌کردند که قریش به قصر قرائت نمی‌کرد، یا سکونی را در مورد حرفی به کار می‌بردند که قریش آن را ساکن قرائت نمی‌کرد، یا ادغام و اخفات را در مورد کلماتی مورد استفاده قرار می‌دادند که قریش چنین نمی‌کردند. (۳۶)

عده‌ای دیگر از دانشمندان عرب زبان معاصر نیز این عامل را به عنوان عامل اختلاف قراءات پذیرفته‌اند که از توضیح بیشتر صرف‌نظر می‌کنیم. (۳۷)

آنچه تاکنون بیان شد، علل اختلاف قراءات در اندیشهٔ دانشمندان اسلامی بود که براساس نقل و اسناد استوار است و در عین حال حقیقت قرآن را جدای از این قراءات می‌دانند؛ زیرا قرآنیت قرآن به اتفاق تمام مسلمانان تنها با نقل متواتر ثابت می‌شود، (۳۸) در حالی که هیچ یک از قراءات حتی قراءات سبعة متواتر نیست، (۳۹) ولی عده‌ای از خاورشناسان علت اختلاف قرائت قرآن را به عوامل دیگری نسبت داده‌اند که برای روشن شدن آراء آنان به چند بحث نیاز داریم.

۱- پدیدهٔ خاورشناسی

در دوران قرون وسطی روابط غرب و شرق بسیار محدود بود، ولی پس از تحولاتی که در غرب پدید آمد؛ از قبیل ازدیاد جمعیت، کمبود امکانات، شیوع طاعون و وبا، خشکسالی و...^(۴۰) غریبان در صدد این برآمدند که به خارج از غرب سفر کنند و برای این کار در پی ابزاری بودند که بتوانند توده‌های مردم را به دنبال خود بکشند و در این راه، آزادسازی قبر مسیح (ع) از دست کفار (مسلمانان) را انگیزه‌ای مناسب یافتند!^(۴۱)

بدین سان در پی انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی که در بین مردم برای خروج از غرب وجود داشت دستگاه کلیسا انگیزه مذهبی را نیز بر آن افزود و رسماً جنگهای صلیبی را آغاز کرد. این جنگها نزدیک به دو قرن به درازا کشید و طی ۹ دوره برگزار گردید.^(۴۲) گرچه صلیبیان نتایج دلخواه را از این جنگها، به دست نیاوردند و از شرق رانده شدند، ولی در طول این تهاجمات با تمدن پیشرفته و شهرهای آباد، پیشرفت علوم و... در این مناطق روبرو شدند و به این نکته پی بردند که باید خاور را دوباره بشناسند. براین اساس پاپ اینوسان چهارم در منشوری که در سال ۱۲۴۸ م برای رئیس دانشگاه پاریس ارسال کرده به ضرورت فراگیری زبانهای شرقی بویژه عربی و عبری اشاره نموده است و در پی این دستور اولین مدرسه تحقیقات شرقی در طیلمه (در اندلس) در سال ۱۲۵۰ م تأسیس شد.^(۴۳) این پدیده که با اهداف استعماری برای مطالعه فرهنگ، عقاید، آداب، رسوم، امکانات، ادیان، مذاهب و... مشرق زمین به وجود آمد، توانست در طول تاریخ دهها انجمن تأسیس و چندین مجله در دنیا منتشر کند.^(۴۴) باید توجه داشت که غریبها برای رسیدن به اهداف خود از سال ۱۰۹۲ م اقدام به ترجمه قرآن به زبانهای مختلف کرده‌اند.^(۴۵)

۲- روش مطالعه متون دینی در غرب

تحولات علمی در غرب که به رنسانس شهرت یافت، آثار گوناگون مثبت و منفی برای همه در پی داشت. بیشترین آثار منفی این تحولات برای کلیسا و مسیحیان بود؛ زیرا بعضی از پیشرفتهای علمی تعارضی صریح و روشن با آموزه‌های کتاب مقدس داشت؛ به عنوان مثال در کتاب مقدس بر اساس شجره‌نامه‌ای که برای حضرت ابراهیم (ع) درست کرده‌اند از عمر جهان بیش از چهارهزار سال نمی‌گذرد،^(۴۶) در حالی که باستان‌شناسی جدید عمر جهان را میلیونها سال می‌داند و مسائل دیگر، که قداست کتاب مقدس مورد سؤال قرار گرفت^(۴۷) و اندیشمندان مسیحی به این نتیجه رسیدند که یا باید بگویند خداوند در کتاب مقدس دروغ می‌گوید؟ و یا باید

بگویند کتاب مقدس وحی نیست. در نتیجه به این باور رسیدند که آنچه در کتاب مقدس آمده است وحی نیست، بلکه برداشت نویسندگان آن از جهان و مسائل جامعه آن روزگار می‌باشد. (۴۸) با سست شدن قداست کتاب مقدس و اعتقاد به وحی و انکار آن و خارج کردن خدا از زندگی اجتماعی انسان و شخصی قلمداد کردن رابطه انسان و خدا و نتیجه بخش بودن علوم تجربی در حوزه مسائل خود و محور شدن انسان، روش حسی در همه مسائل معیار تشخیص حق و باطل شد، به طوری که اگر مسأله‌ای باین روش قابل بررسی نبود از حوزه علوم خارج ساخته، نام فلسفه بر آن نهادند و در مواردی به کلی منکر آن شدند. بدین سان دانشمندی که در این فضا رشد می‌کند متون دینی را نیز با همین روش مطالعه می‌کند. بنابراین داوری خاورشناسان درباره قرآن همانند داوری آنان نسبت به کتاب مقدس می‌باشد که نه اعتقادی به وحی دارند و نه آن کتاب را وحی می‌دانند و پیامبر نیز در نگاه آنان در حد انسانهای نابغه می‌باشند. مسأله‌ای که انسان را به پدیده شرق‌شناسی بدبین می‌کند این است که بیشتر آنان یهودی می‌باشند و بدون تردید عده‌ای از خاورشناسان در تحقیقات خود انگیزه علمی نداشته، بلکه انگیزه‌های دیگری دارند و به دنبال تأمین اهداف مراکزی هستند که هزینه تحقیقات آنها را تأمین می‌کنند. از طرفی نگاه آنان به اسلام همانند نگاه انسان به پدیده‌ای خطرناک است که به هر قیمتی باید جلو گسترش آن گرفته شود؛ از جمله آنان گلدزیهر یهودی است که این مقاله در نقد آراء او به نگارش در آمده است.

آشنایی با گلدزیهر (۱)

شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روش علمی گلدزیهر

براساس آنچه درباره زندگی علمی گلدزیهر نوشته‌اند وی انسانی پرتلاش و با انگیزه بوده است به

۱- ایگناس کلدزیهر در ۲۲ ژوئن سال ۱۸۵۰ م در شهر اشتر لوئیز بورگ مجارستان در یک خانواده صاحب نام یهودی و متمکن به دنیا آمد. در ۱۸۶۹ م به برلین رفت و در ۱۸۷۰ م دکترای خود را درباره تنخوم اورشلمی شرح یهودی عهد عتیق کتاب مقدس در قرون وسطی دریافت کرد و بعد از آن به برداپست بازگشت و در سال ۱۸۷۲ م به عنوان استادیار دانشگاه آن شهر به کار پرداخت. وی در سال ۱۸۷۳ م از طرف آن دانشگاه به شرق سفر کرد و مدتی را

در قاهره و سوریه و فلسطین گذراند و در سال ۱۸۹۴ م به سمت استادی زبان سأمی در دانشگاه بوداپست نایل آمد و در ۱۳ نوامبر سال ۱۹۲۱ م از دنیا رفت. (۴۹)

گلدزیهر دربارهٔ اسلام آثار علمی متعددی از خود به جای گذاشته که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: در سال ۱۸۸۲ م اولین کتاب خود را با عنوان: ظاهریه، سلك و تاریخچه منتشر کرد و با ترسیم سحنی تحول این مذهب در طول زمان آن را به ابن تیمیّه و مقریزی رسانده است. (۵۰) در سال ۱۸۸۹ کتاب دیگری با عنوان مطالعات اسلامی در دو جلد منتشر کرد که در جلد اول به بت پرستی و اسلام پرداخته و آن را به گونه‌ای با هم مرتبط داشته است و در جلد دوم دربارهٔ حدیث و تاریخچه و نحوهٔ نقدیس بزرگان و اولیای مذهبی سخن می‌گوید. (۵۱) در سال ۱۸۸۹ کتاب الممعرین ابو حاتم سجستانی را تصحیح و منتشر کرد. در سال ۱۹۱۶ م فصولی از کتاب فضایح یا طنبیه عزرائلی در ردّ مسلک باطنی‌گری را منتشر کرد (۵۲) و در سال ۱۹۱۰ م کتاب سخنرانیهایی دربارهٔ اسلام را منتشر کرد که غربهای مصری این کتاب را با عنوان العقیده و الشریعة فی الاسلام به عربی ترجمه و منتشر کردند. در سال ۱۹۲۰ م کتاب گرایشهای مسلمانان در تفسیر قرآن را منتشر کرد به عربی با عنوان مذاهب التفسیر الاسلامی توسط دکت عبدالرحیم نجار ترجمه شده است. گلدزیهر در این کتاب دربارهٔ گردآوری قرآن، علل پیدایش اختلاف، فرائد و گرایشهای گوناگون در تفسیر قرآن سخن می‌گوید. (۵۳)

طوری که نوشتن را از دوازده سالگی آغاز کرده بود و آثار علمی او را تا ۵۹۲ عنوان برشمرده‌اند (۵۴)، ولی آنان که با او و کارهای علمی او آشنا بودند و هستند روش علمی او چنین برشمرده‌اند.

۱- در بررسیهای تطبیقی تسلطی عالی از خود نشان می‌داد و با تیزی به کشف تمایزات و ویژگیهای مذاهب گوناگون می‌پرداخت. همچنین در شناخت همسانها، پیوند میان ادیان و فرقه‌های یک دین و یا مسائلی که از یک دین یا فرقه در دیگری وجود دارد و چه بسا تأثیراتی که بر یکدیگر گذارده‌اند، دقت و باریک بینی بسیار داشت. (۵۵)

۲- در پژوهشهای خود روش استدلالی داشت نه استقرایی؛ یعنی با نظام ذهنی از پیش ساخته و با دیدگاههای کلی و اجمالی به سراغ منابع می‌رفت تا انطباقی میان نظریات کلی خود آن منابع بیابد. به عبارت دیگر این گونه نبود که او با ذهنی تهی به سراغ منابع و متون برود تا پس از گردآوری و تدوین مدارک به بررسی و نتیجه‌گیری از آنها پردازد. براین اساس گاهی شواهد را به سختی بر آنچه در صدد اثباتش برآمده بود تحمیل می‌کرد. (۵۶)

قبل از بررسی و نقد آراء گلدزیهر، برای روشن شدن شبهات و پاسخ آنها لازم است بحث دیگری را طرح کنیم:

قراءات معتبر و غیرمعتبر

بعد از گسترش اسلام و پیدایش اختلاف قراءات و کارساز نیفتادن توحید المصاحف عثمان در برطرف کردن اختلاف در قراءات و افزایش شمار قاریان در بین تابعان و تابعان تابعان علماء علم قرائت که نفوذ قرائت غیررسمی در بین مسلمانان را می‌دیدند و از همین ناحیه احساس خطر می‌کردند، درصدد برآمدند تا قواعدی برای شناخت قرائت صحیح از غیر صحیح و یا معتبر از غیرمعتبر طرح کنند و در نتیجه تلاشی که در این زمینه انجام گرفت در نهایت علماء قرائت برای تشخیص قرائت معتبر از غیرمعتبر سه قاعده را پذیرفتند که این قواعد عبارتند از:

الف - صحت سند: علما در این که صحت سند روایت در قراءات معتبر شرط است هیچ‌گونه اختلافی ندارند. مقصود از صحت سند این است که قرائت را شخصی عادل و ضابط از مانند خود و همین‌گونه تا پیامبر اکرم (ص) نقل کند. قرائت از حیث سند به چندگونه تقسیم می‌شود:

۱- قرائت متواتر: قرائتی است که جمعی از جمعی دیگر آن را روایت کردند و اتفاق چنین جماعتی بر کذب و دروغ‌سازی قابل قبول و امکان‌پذیر نباشد. (۵۷)

۲- قرائت مشهور: قرائتی که سند آن صحیح است، به این معنی که شخص عادل و ضابطی از مانند خود و بدینسان تا پیامبر اسلام (ص) آن را نقل کرده باشند و با قواعد دستوری زبان عربی و رسم الخط یکی از مصاحف عثمانی هماهنگی داشته باشد. تنها نقصی که در این گونه قراءات وجود دارد عدم تواتر آن است. (۵۸)

این دو نوع قرائت؛ یعنی قرائت متواتر و مشهور از جمله قراءاتی است که هرگز نمی‌توان آنها را انکار کرد. (۵۹)

۳- قرائت شاذ: قرائتی که سند آن صحیح نمی‌باشد. (۶۰) این قرائت از درجه اعتبار ساقط است و ارزش علمی ندارد و کسی به آن توجه نمی‌کند.

ب - هماهنگی و موافقت با رسم الخط یکی از مصاحف عثمانی؛ هر چند این موافقت به حکم حدس و احتمال باشد. بنابر این اگر قرائتی با رسم الخط هیچ یک از مصاحف عثمانی هماهنگی نداشته باشد به عنوان قرائت شاذ شناخته شده است. (۶۱)

ج - موافقت با قواعد و دست‌ر زبان عربی؛ اگر چه این موافقت و هماهنگی بر حسب وجهی

از وجوه مختلف این قواعد باشد. (۶۲)

آنچه بیان شد، شرایط مورد اتفاق است، چنان که عده‌ای برای این کار شرایط دیگری نیز قائل می‌باشند.

تلاش گلدزیه‌ر برای بی‌اعتبار کردن قرآن

با توجه به مطالبی که در بحث پدیدهٔ شرق‌شناسی و زندگی شخصی گلدزیه‌ر گفتیم و انگیزه‌هایی که آنان از این تلاش‌های علمی دارند، گلدزیه‌ر تلاش گسترده‌ای انجام داده است تا از بین آراء مفسران و اصحاب قرائت، قراءات شاذه‌ای بیابد و به استناد آنها اثبات کند که قرآن وحی نیست، بلکه دستاورد بشری است. نتیجهٔ تلاش او را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱- دخالت شخص پیامبر در تغییر قرآن

گلدزیه‌ر تلاش زیادی انجام داده است که اثبات کند قرآن دستاورد بشری است، ولی همان طور که در روش علمی او بیان شد در مواردی به سختی شواهد و مدارک را بر آن چه در صدد اثباتش می‌باشد تحمیل می‌کند. این محور نیز از همان موارد است. یکی از مواردی که برای این مسأله شاهد آورده این سخن اوست که: در بنیاد اسلام افراد آزاد بودند که نص قرآن را تبدیل کنند و یکی از افرادی که این کار را انجام داده خود پیامبر می‌باشد که برخلاف قرائت مشهور قرائت کرده است و به این مورد مثل زده است: «لقد جائکم رسول من انفسکم» (۶۳)؛ رسولی از میان خودتان نزد شما آمد.

گلدزیه‌ر مدعی است که رسول خدا (ص) این آیه را تغییر داده است به: «لقد جائکم رسول من انفسکم» که فاء را به فتح خوانده است (۶۴) که در این صورت معنی چنین می‌شود: رسولی از نفیس‌ترین‌تان به نزد شما آمد.

پرتال جامع علوم انسانی

نقد

الف - مفسران اعلام کرده‌اند که این قرائت شاذ و از درجهٔ اعتبار ساقط است. (۶۵)

ب - گلدزیه‌ر این انتساب به رسول خدا (ص) را از نظر علمی یعنی با استفاده از علم رجال و درایه ثابت نکرده است. گذشته از آن که وی چنین تخصصی ندارد که بتواند صحت اسناد روایت را اثبات کند.

ج - اگر ثابت شود که رسول خدا (ص) چنین قرائت کرده است، این سخن که «خلاف مشهور قرائت کرده است» معنی ندارد، زیرا رسول خدا (ص) قبل از مشهور بوده است.

مشهور از او پیروی می‌کنند، نه از او مشهور.

د - گذشته از صحت اسناد باید هماهنگی قرائت با مصحف عثمانی نیز اثبات شود تا قرائت صحیح باشد.

ه - اگر اثبات شود که پیامبر (ص) چنین قرائت کرده است، به صریح آیات قرآن از آن جمله «ما ینتطق عن الهوی. ان هو الا وحی یوحی»^(۶۶)؛ و هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید. این نیست جز آنچه به او وحی می‌شود، بنابراین، این قرائت وحی است نه تغییر در قرآن از پیش خود.

و - گلدزبهر فراموش کرده است یا نمی‌داند که طبق آیاتی از قبیل: «ولو تقول علينا بعض الاقوال لآخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم من احد عنہ حاجزین»^(۶۷)؛ (اگر از طرف خود سخنانی درست کرده و به ما ببتدد ما هم قدرت او را بگیریم و شاهرگش را قطع کنیم و کسی از شما نمی‌تواند در این میان مانع شود.) خداوند بر روند ارسال وحی تا رساندن آن به مردم به طور مستقیم نظارت می‌کرد و اجازه نمی‌داد که کوچکترین تغییری از طرف افراد از جمله رسول خدا (ص) در وحی ایجاد شود. بنابراین اگر چنین قرائتی ثابت شود وحی خواهد بود نه سخن خود ساخته رسول خدا (ص).

۲- دخالت اصحاب رسول خدا (ص) در تغییر قرآن

گلدزبهر در این باره می‌گوید: در ابتدای اسلام صحابه نیز این آزادی را داشتند که نص قرآن را تغییر دهند. وی برای اثبات این مسأله به دو مورد استدلال کرده است:

۲-۱- آنچه به عبدالله بن مسعود نسبت داده شده که آیه «اهدنا الصراط المستقیم»^(۶۸) را به «ارشدنا الصراط المستقیم» تغییر داده است.^(۶۹)

نقد

الف - مفسران این قرائت را شاذ اعلام کرده‌اند.^(۷۰) بنابراین این از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ب - بر فرض که آنچه نسبت داده شده است صحت داشته باشد، این تفسیر کلمه است نه قرائت. شاهد آن این است که هدایت به معنای ارشاد می‌باشد.^(۷۱)

۲-۲- آنچه به زید بن ثابت نسبت داده است که در آیه «هو الذی یسرکم»^(۷۲) را «هو الذی ینشرکم» خوانده است.^(۷۳)

نقد

۱- این قرائت منسوب به زید بن ثابت نیست و گندزبهر با توجه آنچه در روش علمی او بیان کردیم، آن را به عمد به زید بن ثابت نسبت می‌دهد تا از موقعیت زید بن ثابت برای حقانیت دیدگاه خود سوء استفاده کند و برآستی این اقدام یک خیانت علمی آشکار است. قرائت یادشده منسوب به عبدالله بن عامر است.^(۷۴) همچنین به ابوجعفر یزید بن قعقاع هم نسبت داده شده است.^(۷۵)

۲- این قرائت چه منسوب به عبدالله بن عامر باشد و چه منسوب به یزید بن قعقاع، یا منسوب به هر دو، قرائت صحابه نیست؛ زیرا آنها هر دو تابعی هستند، چون ابن عامر متوفای ۱۱۸ ق^(۷۶) و یزید بن قعقاع نیز متوفای ۱۳۰ ق^(۷۷) می‌باشد.

۳- مفسران این قرائت را شاذ اعلام کرده‌اند.^(۷۸) بنا بر این از درجهٔ اعتبار ساقط است.

۴- بر فرض که آنان چنین قرائتی داشته‌اند، همان‌طور که پیشتر بیان شد؛ قرآن و قرائت آن دو مقولهٔ جداگانه‌اند و قرآنیست قرآن تنها با تواتر ثابت می‌شود چنان‌که گذشت، هیچ قرائتی حتی قرائت قراء سبعة متواتر نیست؛ تا چه رسد به قرائت غیر سبعة.

۳- تغییر قرآن به سبب ملاحظات اجتماعی

از جمله مواردی که گندزبهر در ادعای تغییر قرآن به دلیل ملاحظات اجتماعی دست‌انبردار داده این آیه است: «يا قوم انکم ظلمتم انفسکم باتخاذکم المعجل فتوبوا الی بارئکم فاقتلوا انفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم فتاب علیکم انه هو التواب الرحیم»^(۷۹)

او در این باره می‌گوید: ملاحظات بعضی از علما در تغییر این آیه نقش داشته است؛ چون دریافتند خودکشی یا کشتن گناهکاران امری خشن است و با گناه تناسب ندارد، دو نقطهٔ بالا را در «فاقتلوا» پایین آوردند و آن را «فاقیلوا» خواندند.^(۸۰)

نقد

۱- این قرائت شاذ می‌باشد و از درجهٔ اعتبار ساقط است.^(۸۱)

۲- این آیه تغییر نکرده و در تمام مصاحف با کلمه «فاقتلوا» نوشته شده است.

۳- تمام مفسران آیه را براساس این که قرائت «فاقتلوا» درست است تفسیر کرده‌اند و کیفیت این جریان را در تفاسیر یادآور شده‌اند.^(۸۲)

۴- این حکم و دستور مربوط به یهود و اجداد گلدزیه می‌باشد و ربطی به اسلام ندارد تا دانشمندان اسلامی به سبب ملاحظات اجتماعی آن را تغییر دهند و چنین نیست که هر حکمی که در شریعت سابق بوده است در شریعت فعلی نیز وجود داشته باشد، تا درصدد توجیه آن برآیند و علمای اسلامی اتفاق نظر دارند که شریعت اسلام ناسخ شرایع دیگر می‌باشد. بنابر این نیازی به توجیه ندارند.

۵- تصور گلدزیه از علمای اسلام تصور درستی نیست؛ زیرا او تصور می‌کند علمای اسلام همانند علمای یهود که احکام خدا با هواهای نفسانی آنان سازگار نبود آن را تغییر می‌دهند و تحریف می‌کنند؛ چنان که قرآن این رفتار زشت را بصراحت به آنان نسبت می‌دهد، به عنوان مثال می‌توان از این آیه یاد کرد: «من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه»^(۸۳)

۶- این نظر نشان می‌دهد که گلدزیه به عنوان یک دانشمند یهودی نسبت به احکام تورات چنین کارهایی را انجام می‌دهد و چون انجام این کارها برای آنان آسان می‌باشد، آن را به دیگران نیز نسبت می‌دهد.

۲- وجود تناقض در آیات قرآن

از جمله مواردی که گلدزیه برای بی‌اعتبار کردن قرآن، آن را دستاویز قرار داده این آیه است: «الم. غلبت الروم. فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون»^(۸۴) او گفته است در این آیه فعل هم معلوم خوانده شده است و هم مجهول و بین دو قرائت تفاوت بسیار است و این تناقض است.^(۸۵)

۱- این قرائت شاذ می‌باشد^(۸۶) و حتی ابن عطیه ادعای اجماع کرده است که فعل تنها مجهول قرائت شده است.^(۸۷)

۲- این آیه از یک حادثه تاریخی حکایت می‌کند که برای همه در آن زمان روشن بوده است که روم ابتدا شکست خورده و سپس پیروز شده است و قاری نمی‌تواند پیروزی و شکست در یک جنگ به آن بزرگی را با تغییر قرائت جابجا سازد، و این خود گواه بر ادعای اجماع ابن عطیه است.

۳- این آیه وقتی نازل شده بود که تنها قسمت اول آیه یعنی «غلبت الروم» تحقق یافته بود و شارت به پیروزی این گروه شکست خورده در آن شرایط از توان علمی افراد بشر خارج بود.

براین اساس، این آیه گواهی بر صداقت رسول اکرم (ص) در ادعای نبوت و نشانی بر اعجاز قرآن می‌باشد. (۸۸)

۴- با توجه به این که این آیه اشاره به یک حادثه تاریخی دارد در آن حادثه نیز طرف پیروز و شکست خورده برای همه روشن بوده است، که شکست خورده فعلی روم می‌باشد، نمی‌تواند فعل معلوم باشد.

۵- بر فرض که چنین قرائتی وجود داشته باشد در آیه تناقض پیش نمی‌آید؛ زیرا مجموع آیه راجع به دو حادثه در دو زمان متفاوت می‌باشد که فاتح در یک حادثه، شکست خورده در حادثه دیگر می‌باشد و این تناقض نیست؛ زیرا صرف تنافی بین دو شیء تناقض نیست، بلکه تناقض دارای شرایطی است که عده‌ای هشت شرط^(۸۹) و عده‌ای شرط وحدت حمل را نیز اضافه کرده‌اند.^(۹۰) بنابر این با توجه به این که این حادثه مربوط به دو گروه در دو زمان می‌شود که در پایان آیه نیز به تفاوت زمان این دو حادثه اشاره کرده است؛ پس تناقض نیست.

۵- رسم الخط، عامل تغییر قرآن

از بین روشهایی که گلدزبهر برای بی اعتبار کردن قرآن به کار گرفته است، این است که «رسم الخط» را به عنوان عامل تغییر قرآن معرفی کرده است. این روش او مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته و بیشتر مورد نقد و ایراد قرار داده‌اند و چون این سخن برخلاف مسلمات تاریخی است، حتی عده‌ای از خاورشناسان نیز به او حمله کرده‌اند.

نقادان اندیشه گلدزبهر را در این مسأله می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:

الف - گروهی که تنها به آن اشاره کرد و سستی استدلال او را بیان کرده‌اند؛ از قبیل:

۱- بروکلیمان مستشرق، در تاریخ الادب العربی؛^(۹۱)

۲- اوتوپرتزل، در مقدمه التیسیر دانی؛^(۹۲)

۳- جفری، در مقدمه المصاحف ابن ابی داؤد.^(۹۳)

ب - آنان که فصلی از کتاب را به نقد آن اختصاص داده‌اند:

۱- عبدالوهاب حموده در کتاب القراءات و اللهجات؛^(۹۴)

۲- عبدالصبور شاهین در تاریخ القرآن؛^(۹۵)

۳- عبدالهادی الفضلی.^(۹۶)

ج - آنان که یک کتاب در رد نظریه گلدزبهر نوشته‌اند:

۱- شیخ عبدالفتاح قاضی، کتاب القراءات فی نظر المستشرقین و الملحدین؛

۲- عبدالفتاح اسماعیل شبلی، کتاب رسم المصحف و الاحتجاج به فی القراءات.

گلدزبهر منشأ اختلاف قراءات را اختلاف رسم و کتابت قرآن دانسته، می نویسد: قسمت مهمی از اختلاف قراءات به خصوصیات خط عربی مربوط است؛ زیرا این خصوصیات، اندازه های مختلف صوتی ایجاد می کند که منشأ آن نیز اختلاف وضع نقطه های است که زیر یا روی فرم و شکل خط قرار گرفته و یا منشأ آن، اختلافات نقطه از نظر تعداد است. (۹۷)

نقد

آنچه را که درباره نقد این سخن گلدزبهر دیگران گفته اند یا به نظر ما می رسد، می توان در چند محور خلاصه کرد:

الف * این نظریه به دلایل زیر، بر خلاف روش رسول خدا (ص) است:

۱- رسول خدا (ص) در آموزش قرآن به صحابه قرآن را از روی نوشته نمی خواند، بلکه آن را از حفظ می خواند و مردم می شنیدند؛ چه آنان که آموزش می دیدند؛ مثل مسلمانان و کاتبان وحی و چه آنان که قصد آموزش نداشتند؛ مثل کفار. گرچه پیامبر خود دستور کتابت قرآن را همراه با دستور حفظ قرآن داده بود و حتی در مواردی درباره کیفیت نوشتن نیز دستوراتی صادر می کرد که از آن حضرت نقل کرده اند که به یکی از نویسندگان وحی فرمود:

«اللق الدواة و حرّف القلم و انصب الباء و فرّق السین و لا تعوّر المیم و حسن الله و مدّ الرحمن و جود الرحیم وضع قلمک علی اذنک الیسری فاته اذکر لک.» (۹۸)

یعنی لایقه در دوات قرار ده، قلم را کج و منحرف نگه دار، باء را بلند بنویس (دندانهای سین را از هم پراکنده ساز، میم را کور و نوپر بنویس، الله را نیکو بنویس، رحمن را کشیده و رحیم را به خوبی بنگار و قلم را بر گوش چپ خود قرار ده که این کار برای یادآوری بهتر است.

۲- اولین وسیله برای تبلیغ اسلام قرائت قرآن بود. براین اساس در مدت ۲۳ سال بعثت رسول خدا (ص)، بویژه ۱۳ سال مکه، همه مردم چه دوست و چه دشمن دیده بودند که پیامبر قرآن را از حفظ می خوانده است.

۳- رسول خدا (ص) برای تبلیغ اسلام قرآن را به مناطق نمی فرستاد؛ بلکه قاری قرآن می فرستاد که به آنان قرآن آموزش دهد؛ به عنوان مثال بعد از یمان عقبه در پی تقاضای اعزام مبنغ از طرف مردم مدینه رسول خدا (ص) مصعب بن عمیر را به مدینه فرستاد و به دستور

داد قرآن را به مردم بیاموزد^(۹۹) و او نیز قرآن را به آنان آموزش می‌داد. بر همین اساس مصعب اولین مقرئ مدینه می‌باشد. همچنین در پی تقاضای قبائل، پیامبر (ص) عده‌ای از قاریان را اعزام کرد.^(۱۰۰)

۴- وقتی فردی اسلام می‌آورد رسول خدا (ص) او را به یکی از صحابه می‌سپرد و می‌فرمود:

«فَقِّهُوا اخَاكُم فِي دِينِهِ وَاَقْرَبُوهُ وَعَلِّمُوهُ الْقُرْآنَ»^(۱۰۱)

باید توجه داشت که تمام این حوادث و شواهد و مدارک قبل از آن که قرآن به صورت مکتوب درآید انجام گرفته است و رسم الخط مورد استناد گندزبهر مصحف عثمانی است که حدود ۴۰ سال بعد از این حوادث به وجود می‌آید.

ب - این نظریه به دلایل زیر، برخلاف روش صحابه است:

۱- وقتی یزید بن ابی سفیان از طرف عمر حاکم شام شد و پس از مدتی از عمر تقاضا کرد که مردم این منطقه در حال مسلمان شدن هستند و در این زمینه از او کمک خواست، عمر برای او قرآن نفرستاد، بلکه سه نفر قاری اعزام کرد تا قرآن را به آنها بیاموزند.

۲- هنگامی که عثمان مصاحف را یکدمست کرد و بنا شد به هر یک از مناطق مهم دنیای اسلام یک نسخه مصحف بفرستد تنها به فرستادن مصحف اکتفا نکرد، بلکه همراه هر مصحف یک قاری فرستاد و یا در آن منطقه یک قاری مشخص کرد تا قرآن را برای مردم قرائت کنند براین اساس زید بن ثابت قاری مدینه، عبدالله بن سائب قاری مکه، مغیره بن شهاب قاری شام ابو عبدالرحمان سلمی قاری کوفه، و عامر بن قیس به عنوان قاری بصره مشخص شدند.^(۱۰۲)

ج - نظریه گندزبهر، به دلایل زیر، برخلاف تاریخ قرآن است:

۱- از روزی که رسول خدا (ص) به رسالت مبعوث شده بود قرآن هم به مرور زمان نازل می‌شد و پیامبر قرآن را قرائت می‌کرد و از همان دوران عده‌ای از مسلمانان که از قبائل مختلف بودند لهجه‌های متفاوت داشتند و قطعاً نمی‌توانستند همانند رسول خدا (ص) قرائت کنند و نتیجه اختلاف قرائت وجود داشت، در حالی که این مسائل حدود ۴۰ سال قبل از پیدایش رسم الخط عثمانی است.

۲- همه نوشته‌اند که انگیزه عثمان از توحید المصاحف جلوگیری از اختلافاتی بوده است که گسترش آن در حدی بود که مسلمانان همدیگر را به سبب این قراءات تحطه می‌کردند و بی-

آن می‌رفت که اگر پس از مدتی صحابه از بین بردند، دیگر راهی برای جلوگیری از این اختلافات وجود نداشته باشد. براین اساس درصدد تدوین قرآنی برآمدند تا مردم را مأمور کنند از آن قرآن پیروی کنند تا رفته رفته این اختلافات از بین برود. این مسأله نشان می‌دهد که قبل از رسم الخط عثمانی اختلاف قرائت وجود داشته است، نه این که پس از رسم الخط عثمانی به وجود آمده باشد.

۳- بعد از فرستادن مصاحف به مناطق مهم دنیای اسلام نیز حکومت نتوانست جلوگیری از اختلاف قرائت را بگیرد. از این جهت علمای قرائت برای از بین بردن تفاوت مطابقت با رسم المصحف را در حجیت قرائت شرط کردند که پیشتر بیان شد. این مسأله نیز نشان می‌دهد که قبل از پیدایش رسم الخط مصحف عثمانی اختلاف قرائت وجود داشت.

۴- رسم الخط مصحف عثمانی نزدیک به ۴۰ سال بعد از نزول قرآن و آموزش آن و گسترش اسلام در بسیاری از کشورهای اطراف اتفاق افتاده است. آیا برآستی تا آن دوران هیچ اختلافی در قرائت قرآن وجود نداشت؟ اگر گلدزیه چینی ادعایی کند برخلاف سخنان خودش می‌باشد؛ زیرا مواردی که او به عنوان تغییر یاد کرده به کسانی نسبت داده شده است که در دوران قبل از توحید المصاحف زندگی می‌کردند؛ مثل عبدالله بن مسعود که حتی به گونه‌ای با توحید المصاحف مخالف بود. (۱۰۳)

د- این نظر به دلایل زیر، برخلاف علم قرائت است:

۱- مقرئ به کسی می‌گفتند و کسی به عنوان استاد و صاحب‌نظر در قرائت حق اظهار نظر داشت که نزد استادی قرائت را آموخته باشد نه این که از روی قرآن بخواند. از این جهت علما پرهیز داشتند که قرائت را از کسی بگیرند که خود نزد استاد قرائت آموزش ندیده است؛ به عنوان نمونه صفاقسی از استادش نقل می‌کند: برای احدی جایز نیست آنچه را که در مصحف آمده است قرائت کند مگر این که قرائت قرآن کریم را بر وجه صحیح آن فراگیرد، یا این که رسم الخط مصحف و نیز قراءتی را که مخالف با رسم الخط مصحف می‌باشد بیاموزد و اگر جز این راه دیگری را در قرائت پیش گیرد باید گفت زاهی را که در پیش گرفته برخلاف اجماع امت اسلامی است. (۱۰۴)

۲- اساس قرائت را روایت و نقل تشکیل می‌دهد نه رسم الخط. براین اساس صفاقسی گفته است لازم نیست تلاوت قرآن کریم با رسم الخط آن سازگار باشد. براین اساس آنچه از قراءات

منقوله که موافق رسم الخط باشد از قراءات دیگر اقوی است و پیروی از صرف رسم الخط تنهائی که نقل و روایت آن را تأیید نکنند، لازم نیست. (۱۰۵)

۳- زید بن ثابت که محور کار تدوین مصاحف در عصر عثمان می باشد برای تدوین قرآن تنها به نوشته های گذشته اکتفا نمی کرد، بلکه یکی از منابع مهم زید در این کار قرائت صحابه بود که قرآن را از حفظ می خواندند. (۱۰۶)

۴- اختلاف قراءات در زمان پیامبر امری رایج بوده است، در مواردی خود پیامبر به دلیل تعدد نزول مختلف قرائت می کرد (۱۰۷) و در مواردی اختلاف قرائت صحابه را تأیید کرده است. (۱۰۸) براساس حدیث «انزل القرآن علی سبعة احرف لكل حرف ظهر و بطن» (۱۰۹) اختلاف قراءات مسأله ای بسیار روشن است که قبل از رسم الخط عثمانی وجود داشته است و تعجب از گلدزیهر است که مدعی است رسول خدا (ص) برخلاف مشهور قرائت کرده است (۱۱۰) و نیز مدعی است که عامل بسیاری از این اختلافات، رسم الخط عثمانی است! (۱۱۱)

۵- اگر رسم الخط عامل اختلاف قرائت باشد این کار می تواند وجوه مختلف و زیادی را در قرائت به وجود آورد، در حالی که قراءاتی که فعلاً ما از آنها اطلاع داریم و دانشمندان، کتابهای متعددی دربارهٔ آنها نگاشته اند، محدود است و همهٔ آنها به نقل و روایت متکی است نه بر طرز کتابت و رسم الخط قرآن.

۶- عثمان دستور داده بود که قرآن به صورتی عاری از نقطه و هر نوع علائم املائی باشد رسم الخط و کتابت آن توانایی پذیرش قراءات منقول از پیامبر (ص) را داشته باشد و به علت رسم الخط و کتابت ویژه ای قرآن به قرائت یا حرف و یا تلفظ مخصوص محدود نگردد. بنابراین اختلاف قراءات ناشی از اختلاف کتابت قرآن نموده است، بلکه اولین و آخرین منشأ اختلاف قراءات، سند و روایت است. (۱۱۲)

۷- نظریه گلدزیهر، به دلایل زیر، برخلاف روش علمی است:

۱- روش علمی اقتضا می کرد که گلدزیهر موارد مختلف را گردآورده، سپس به بررسی نتیجه گیری بپردازد؛ بخصوص با توجه به ویژگی که در روش علمی او برשמردیم و تعجب است که چگونه چنین اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، مگر آن که بگوییم چون درصدد اثبات نظریه اش بوده، برخلاف روش علمی با زحمت شواهد را بر آنها تطبیق کرده است.

۲- گلدزیهر برخلاف روش علم قرائت عمل کرده است؛ زیرا در علم قرائت کسی حق

اظهارنظر در مسائل قرائت را دارد که نزد استادی قرائت را آموخته باشد و آن استاد نیز از استادی دیگر، تا به رسول خدا(ص) برسد که به اصطلاح سندش اتصال داشته باشد و صحیح باشد، در حالی که گلدزهر قطعاً چنین آموزشی ندیده است. بنابراین حق اظهارنظر در این مسائل را ندارد.

۳- از آن جا که گلدزهر تخصصی در علم قرائت نداشته، توانسته است قرائت صحیح و معتبر را از قرائت شاذ و غیر معتبر تشخیص دهد و براین اساس بین این دو نوع قرائت که یکی در واقع قرائت نیست و کسی به آن توجه ندارد خلط کرده است و این، سبب اشتباه بزرگ او شده است. شاید هم به عمد این کار را انجام داده است تا بتواند نظریه اش را اثبات کند؛ زیرا در غیر این صورت نمی توانست چنین اتهامی را به قرآن نسبت دهد.

آنچه بیان شد، ایرادهای کلی بود که بر سخنان گلدزهر وارد است و اگر بنا باشد جزئیات سخنان او را مورد نقد قرار دهیم، نیاز به چندین مقاله می باشد.

نقد تحقیق

مقاله با مقدمه ای درباره اهمیت قرآن در نگاه دوست و دشمن آغاز می شود و سپس با تعریف قرائت و علل پیدایش اختلاف قراءات و معیار قرائت معتبر از غیر معتبر ادامه می یابد و به این نتیجه می رسد که عامل اختلاف قراءات تنها نقل و سند می باشد و مشخص می شود که اشتباه بزرگ گلدزهر عدم تشخیص قرائت معتبر از غیر معتبر می باشد؛ در نتیجه آنچه وی درباره قرآن گفته است ارزش علمی نداشته، بی مورد می باشد که برای آگاهی از مشروح آراء گلدزهر و نقد آنها باید مقاله را مطالعه نمود.

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- البرهان فی علوم القرآن، محمد بن عبدالله زركشى، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، مطبعه داراحياء الكتب العربيه.
- ۳- مقدمتان فی علوم القرآن، نشر دكتور آرتور جفرى، تصحيح عبدالله اسماعيل صارى، قاهره.
- ۴- لسان العرب، العلامة جمال الدين محمد بن مكرم، نشر ادب الحوزه.
- ۵- الكشاف عن حقايق التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التاويل، ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشري، بيروت دارالفكر.
- ۶- مجمع البيان لعلوم القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسى، تهران، كتابفروشى اسلاميه.
- ۷- الكامل فى التاريخ، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، المعروف بابن الاثير، بيروت، دارالفكر.
- ۸- السيرة النبويه لابن هشام، تحقيق مصطفى السقا و غيره بيروت، داراحياء التراث العربى.
- ۹- تاريخ قرآن كريم، دكتور سيد محمد باقر حجتى، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- ۱۰- منجد المقرئين، ابن الجزرى، قاهره، الوطنيه الاسلاميه.
- ۱۱- اتحاف فضلاء البشر فى القراءات الاربعة عشر، احمد بن محمد دمياطى.
- ۱۲- كشاف اصطلاحات الفنون، محمد على تهاوى، بيروت، شركة خياط.
- ۱۳- فضائل القرآن، ابن كثير دمشقى، بيروت دارالاندلس.
- ۱۴- تاويل مشكل القرآن، عبدالله بن مسلم بن قتيبه، تحقيق احمد صقر، قاهره مطبعه دارالكتب العربيه.
- ۱۵- تاريخ القرآن، دكتور عبدالصبور شاهين، بيروت دارالعلم.
- ۱۶- تاريخ القرآن، ابو عبدالله زنجانى، بيروت، مؤسسة الاعلمى.
- ۱۷- تاريخ القرآن، و غرائب رسمه و حكمه، محمد طاهر بن عبدالقادر كردى مالكى، جده خطاط.
- ۱۸- مناهل العرفان فى علوم القرآن، محمد عبدالعظيم رزقانى، قاهره، دارالحياه الكتب العربيه.

- ١٩- ابراز المعانی من حرز الامانی، ابوشامه عبدالرحمن بن اسماعیل دمشقی، قاهره، مطبعة مصطفى البابی.
- ٢٠- فی الادب الجاهلی، طه حسین، قاهره دارالمعارف، ١٩٥٨ م.
- ٢١- اطوار الثقافة و الفكر فی ظلال العروبة و الاسلام، علی جندی، محمد صالح سلمک، محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، مطبعة الانجلو المصرية، ١٩٥٩ م.
- ٢٢- البيان فی تفسیر القرآن العلامة السيد ابوالقاسم الخوی قم، المطبعة العلمية.
- ٢٣- تاریخ جنگهای صلیبی، استیفن رانسیمان، ترجمه زهرا محیط طباطبایی، حسینیه ارشاد.
- ٢٤- علل و آثار جنگهای صلیبی، عبدالله ناصری طاهری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ٢٥- التاريخ الاسلامی و اثره فی الفكر التاريخی، جمال الدین اشبال، دارالثقافة، بیروت.
- ٢٦- دائرة المعارف مستشرقان، عبدالرحمن بدوی، ترجمه صالح طباطبایی، ناشر روزنه.
- ٢٧- قاموس کتاب مقدس، مستر هاکس، تهران انتشارات اساطیر.
- ٢٨- علم و دین، ایان باربر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی.
- ٢٩- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، بیروت، عالم الکتب.
- ٣٠- مباحث فی علوم القرآن، دکتر صبحی صالح، بیروت دارالعلم للملایین.
- ٣١- النشر فی القراءات العشر، ابن الجزری، تحقیق محمد علی ضباع، قاهره، مطبعة مصطفى محمد.
- ٣٢- مذاهب التفسیر الاسلامی، گلذیهر، ترجمه دکتر عبدالحلیم نجار، قاهره مطبعة السنة المحمدیة، ١٩٥٥ م.
- ٣٣- البحر المحیط محمد بن یوسف الاندلسی، بیروت دارالفکر.
- ٣٤- غایة النهایة فی طبقات القراء، محمد بن محمد جزری، نشر، برگشتاسر، قاهره، مطبعة مكتبة الخانجي، ١٩٣٢ م.
- ٣٥- المیزان فی تفسیر القرآن، العلامة محمد حسین طباطبایی، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- ٣٦- الصافی فی تفسیر القرآن، الفیض الکااشانی، تهران، المكتبة الاسلامیة.
- ٣٧- تفسیر جوامع الجامع، امین الدین ابو علی فضل بن حسن طبرسی، تصحیح و تعلیق ابوالقاسم گرجی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ٣٨- المنطق، الشیخ محمدرضا المظفر، قم، دارالکتب العلمیة، اسماعیلیان.

۳۹- تاریخ الادب العربی، کارل بروکلمان، ترجمه دکتر عبدالحلیم نجار، قاهره، دارالمعارف.
۴۰- التیسیر فی القراءات السبع، ابو عمر و عثمان بن سعید دانی، اوتوپر تزل، استامبول، مطبعة الدولة.

۴۱- المصاحف، عبدالله بن سلیمان بجستانی، تصحیح دکتر آرتور جفری، قاهره المطبعة الرحمانیه.

۴۲- القراءات و اللهجات، عبد الوهاب حموده، قاهره، مطبعة السعادة، ۱۹۴۸ م.

۴۳- مقدمه ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، دکتر عبدالهادی فضلی، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، انتشارات اسوه، تهران

۴۴- منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، زین الدین بن علی العاملی، اعداد انسید احمد الحسینی، مجمع الذخائر الاسلامیة.

۴۵- کنز العمال، علاء الدین المتقی الهندی، بیروت مؤسسه الرسالة.

۴۶- رسم المصحف و الاحتجاج به فی القراءات، دکتر عبدالفتاح اسماعیل شبللی، قاهره مطبعة مكتبة النهضة. ۱۹۶۰ م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها

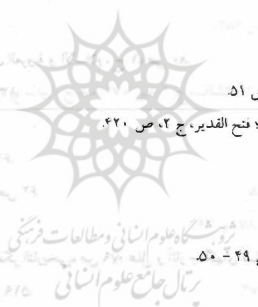
- ۱- الطور/۳۳-۳۴. ج ۱، ص ۱۹۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۲- هود/۱۳-۱۴. ج ۱، ص ۱۹۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۳- یونس/۳۸. ج ۱، ص ۱۹۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۴- اسراء/۸۸. ج ۱، ص ۱۹۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۵- نساء/۸۲. ج ۱، ص ۱۹۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۶- یونس/۱۵. ج ۱، ص ۱۹۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۷- حجر/۹. ج ۱، ص ۱۹۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۸- البرهان زرکشی، ج ۱، ص ۲۷۸. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۹- همان مدرک. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۰- مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۲۸۲. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۱- لسان العرب. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۲- تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۱۱۷؛ کشف، ج ۴، ص ۲۷۰؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۲.
- ۱۳- علق/۱-۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۴- اسراء/۱۰۶. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۵- کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۸۵. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۶- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۷۸ و ۱۹۳. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۷- همان مدرک. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۸- کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۷۲. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۹- تاریخ قرآن کریم، دکتر حاجتی، ص ۳۱۰. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۲۰- کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۱. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۲۱- همان مدرک. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۲۲- همان مدرک، ص ۱۱۲. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۲۳- البرهان، ج ۱، ص ۲۵۰. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۲۴- کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۲. مؤلف: محمد حسن طاهر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله علمی پژوهشی

- ۲۵- البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۸.
- ۲۶- منجد المقرئين، ص ۳.
- ۲۷- همان مدرک.
- ۲۸- انحاف فضلاء البشر، ص ۵.
- ۲۹- کشف اصطلاحات الفنون، ج ۵، ص ۱۱۵۸.
- ۳۰- فضائل القرآن ابن کثیر، ص ۲۸.
- ۳۱- ناول مشکل القرآن، ص ۳۰ و در چاپ سوم، ص ۳۸ - ۴۰.
- ۳۲- مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.
- ۳۳- تاریخ القرآن، ص ۹۲.
- ۳۴- مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۰۶.
- ۳۵- ابراز المعانی، ص ۴۷۸.
- ۳۶- فی الادب الجاهلی، ص ۹۵.
- ۳۷- اطوار الثقافة و الفكر فی ظلال العمرة و الاسلام، ج ۱، ص ۸۰.
- ۳۸- البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۳۸.
- ۳۹- همان مدرک، ص ۱۳۹.
- ۴۰- تاریخ جنگهای صلیبی، ص ۶۲.
- ۴۱- علل و آثار جنگهای صلیبی، ص ۶۲.
- ۴۲- همان مدرک، ص ۶۴.
- ۴۳- التاریخ الاسلامی و اثره فی الفكر التاریخی، ص ۷۹؛ علل و آثار جنگهای صلیبی، ص ۱۳۷.
- ۴۴- دائرة المعارف مستشرقان، ص ۵۱۹.
- ۴۵- همان مدرک، ص ۱۷۶.
- ۴۶- ناموس کتاب مقدس، ص ۴.
- ۴۷- عنه و دین، ص ۲۶۹.
- ۴۸- همان مدرک، ص ۲۶۹.
- ۴۹- دائرة المعارف مستشرقان، ص ۵۱۹.
- ۵۰- همان مدرک، ص ۵۲۳.

- ۵۱- همان مدرک، ص ۵۲۴. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۱
- ۵۲- همان مدرک. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۲
- ۵۳- همان مدرک، ص ۵۲۵. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۳
- ۵۴- همان مدرک، ص ۵۲۳. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۴
- ۵۵- همان مدرک، ص ۵۲۲. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۵
- ۵۶- همان مدرک، ص ۵۲۱. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۶
- ۵۷- الاتقان فی علوم القرآن، ص ۷۷. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۷
- ۵۸- همان مدرک. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۸
- ۵۹- مباحث فی علوم القرآن، ص ۲۵۷. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۵۹
- ۶۰- الاتقان، ص ۷۷. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۰
- ۶۱- النشر، ج ۱، ص ۹. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۱
- ۶۲- همان مدرک. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۲
- ۶۳- توبه/۱۲۸. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۳
- ۶۴- مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۵۱. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۴
- ۶۵- البحرالمحیط، ج ۵، ص ۱۸۸؛ فتح القدير، ج ۲، ص ۴۲۰. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۵
- ۶۶- النجم/۵. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۶
- ۶۷- الحاقه/۴۳ - ۴۷. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۷
- ۶۸- الحمد/۷. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۸
- ۶۹- مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۴۹ - ۵۰. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۶۹
- ۷۰- الکشاف، ج ۱، ص ۶۷. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۷۰
- ۷۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۷. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۷۱
- ۷۲- یونس/۲۲. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۷۲
- ۷۳- مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۴۹ - ۵۰. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۷۳
- ۷۴- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۳۲۲. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۷۴
- ۷۵- مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۰۰. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۷۵
- ۷۶- طبقات القراء، ج ۱۲، ص ۲۰۴. ۸۶- در کتابخانه ملی، شماره ۵۲-۷۶



پرتال جامع علوم انسانی
مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان

۷۷- همدن مدرک، ص ۳۸۲.

۷۸- قرطبی، ج ۸، ص ۳۲۴؛ ظیری جامع البیان، ج ۱۱، ص ۷۱.

۷۹- بقره/ ۵۴.

۸۰- مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۱۱.

۸۱- تفسیر قرطبی، ج ۱، ص ۴۰۲.

۸۲- کشاف، ج ۱، ص ۲۸۰؛ قرطبی، ج ۱، ص ۴۰۱؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۳؛ التعمیر، ج ۱، ص ۱۸۹.

جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۶؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۳ و بقیه تفاسیر، ج ۱، ص ۲۶؛ معانی، ج ۱، ص ۸۰.

۸۳- نساء/ ۴۶.

۸۴- الروم/ ۱-۳.

۸۵- مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۹.

۸۶- تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۵؛ الکشاف، ج ۳، ص ۲۱۳.

۸۷- تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۵.

۸۸- همان مدرک.

۸۹- المنطق، ۱۸۹.

۹۰- همان مدرک، ص ۱۹۰.

۹۱- تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۱۴۰.

۹۲- مقدمه التفسیر لندانی، ص ۵- ی.

۹۳- مقدمه المصاحف لابن ابی ذر، ص ۷.

۹۴- القراءات و اللهجات، فصل دهم، ص ۱۸۲-۲۱۳.

۹۵- تاریخ القرآن، ص ۲۰۹- ۲۱۶.

۹۶- مقدمه ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، ص ۱۲۵.

۹۷- مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۸-۹.

۹۸- مغنیة العریذ، ص ۱۸۶.

۹۹- کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۹۶.

۱۰۰- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۷۸ و ۱۹۳.

۱۰۱- کنز العمال، ج ۱۳، ص ۵۶۵، حدیث ۳۷۴۵۵.



شماره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۲

- ۱۰۲- مناهل العرفان، ج ۱، ص ۳۹۶ و ۳۹۷.
- ۱۰۳- کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۱.
- ۱۰۴- ابراز المعانی، ص ۴۰۶.
- ۱۰۵- همان مدرک.
- ۱۰۶- رسم المصحف، ص ۷۲۹.
- ۱۰۷- مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.
- ۱۰۸- تاویل مشکل القرآن، ص ۳۰ و در چاپ سوم ص ۳۸ - ۴۰.
- ۱۰۹- کنز العمال، ج ۲، ص ۵۳، حدیث ۳۰۸۶.
- ۱۱۰- مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۵۱.
- ۱۱۱- همان مدرک، ص ۸ - ۹.
- ۱۱۲- تاریخ القرآن حجتی، ص ۲۵۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی